

## خوانش مؤلفه‌های حیات بخش از بازخوانی حیاط خانه‌های سنتی یزد<sup>۱</sup>

سید محمد کاظمی<sup>\*</sup>، حسین مهدوی پور<sup>\*\*</sup>، سید علی اکبر کوشش گران<sup>\*\*\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

### چکیده

حیات یکی از مقولات معتبر در معماری می‌باشد. علی‌رغم آنکه برخی از صاحب‌نظران در دوره معاصر به موضوع حیات و مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری آن به‌عنوان کیفیت خاص توجه کرده‌اند، اما در معماری این دوره کمتر شاهد حضور مؤلفه‌های حیات‌مند در ساخته‌ها هستیم. این در حالی است که در معماری دوره‌های قبل از مدرن، این ویژگی قابل دریافت بوده به طوری که مراتبی از کیفیت را نیز ایجاد نموده است. در معماری دوره قبل از مدرن و از میان بناهای ساخته شده، خانه، واجد ارزش بیشتری است. در همین رابطه با رجوع به خانه‌های دوره سنت، حیاط یکی از فضاهای مهم محسوب می‌شود که کانون توجه بوده و ارزش فضاهای خانه نیز تا حدی مرتبط با آن می‌باشد. بنابراین مسئله اصلی تحقیق این است که؛ مؤلفه‌های کیفی حیات‌مند در معماری دوره قاجار یزد چیست؟ برای نزدیک شدن به مرتبه‌ای از حیات جسمی و روحی در خانه‌های دوره معاصر، شناخت مؤلفه‌ها و امکان کاربست آن‌ها هدف اصلی این رساله است. روش تحقیق کیفی، از جمله روش‌هایی است که امکان دستیابی به نتایج قابل اتکا را در این تحقیق فراهم می‌سازد. از همین رو بر مبنای روش داده‌بنیاد و تحقیق میدانی به معرفی مؤلفه‌های استخراجی خواهیم پرداخت. برای این منظور با انتخاب نمونه‌هایی از خانه‌های دوره قاجار یزد که به نظر می‌آید این کیفیت در آنها حضور دارد، تلاش شده است مؤلفه‌هایی که موجب ایجاد یا تقویت حیات در معماری می‌شود، شناسایی شود. نتایج تحقیق حکایت از آن می‌کند که مؤلفه‌های احصاء شده، علاوه بر اینکه دارای تنوع و گونه‌گونی هستند از یک مراتب معنایی نیز پیروی می‌کنند، به طوری که این مراتب قرابت نزدیک با استعدادهای سرزمینی و مهارت‌های دانشی و بینشی معمار دارند. همچنین مؤلفه‌هایی که توسط برخی نظریه پردازان معماری از جمله الکساندر تبیین شده، قابل اثبات در معماری خانه‌های دوره قاجار یزد نیز بوده و از اعتبار نسبی برخوردارند.

**واژگان کلیدی:** حیات، مراتب معماری، مؤلفه‌های کالبدی حیات، مسکن دوره قاجار، حیاط

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری سیدمحمد کاظمی با عنوان «احصاء مؤلفه‌های کالبدی حیات در بازخوانی حیاط خانه‌های دوره قاجار یزد» می‌باشد که تحت راهنمایی آقایان؛ حسین مهدوی پور و سید علی اکبر کوشش گران انجام شده است.

<sup>\*</sup>دانش آموخته دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

<sup>\*\*</sup>نویسنده مسئول: استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، یزد، ایران

<sup>\*\*\*</sup>استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، یزد، ایران

sm.kazemi@sau.ac.ir

hmahdavi@yazd.ac.ir

a.koosheshgaran@yazd.ac.ir

## مقدمه

معماری حاصل اندیشه و تفکر است که طی سده‌های متمادی سهمی زمينه را برای تحقق نحوه بهتر حضور انسان در اين گيتي فراهم نموده است. در اين بين اگر معماری دوره معاصر را به لحاظ کاربست مؤلفه‌های کیفی مورد نقد و بررسی دقیق قرار دهيم به لحاظ مبانی، با فراز و نشیب‌های متعددی روبرو می‌شویم. کاربست مؤلفه‌هایی که تلاش‌های گسترده‌ای در جهت تحقق آن در ساخته‌ها از سوی سازندگان صورت گرفته که نتایج موفق و بعضاً ناموفق را نیز در پی داشته است. اينکه برخی ساخته‌های انسان سبب گردد وی از زیستن در آن لذت برد و یا علاقه‌مند به گذران بخشی از عمر خود در آن باشد، یک روایت از معماری است و روایت دیگر، با ساخته‌هایی مواجه می‌شویم که به مثابه ماشین برای زندگی تلقی گردیده است (Le Corbusier, 1986: 107). سردرگمی که امروزه شاهد آن هستیم تمنای کیفیتی است که انسان معاصر تقلاي وصل آن را در ذهن خود پروراند و آن را طلب می‌کند. از همین روی درک اينکه ممکن است ساخته‌ها قادر باشند علاوه بر جسم، روحیات ما را با آرامش عجیب کنند و خود نیز روایتگر مرتبه‌ای از حیات شوند، دور از ذهن نیست<sup>(۱)</sup>.

یکی از مقولاتی که در ادبیات پسامدرن معماری مورد توجه بوده و برخی محققین از جمله کریستوفر الکساندر به آن اشاره کرده کیفیت حیات در معماری (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۴۳-۳۵ و سیروس صبری، ۱۳۹۲: ۴۱-۳۱) -البته با تعبیر گاهی مختلف و متفاوت- است. بر همین اساس به نظر می‌رسد فراز و نشیب‌هایی که در ساخته‌ها شاهد آن هستیم، از فقدان این کیفیت حکایت دارد. تعبیر هایدگر از بی‌خانمانی انسان معاصر (بهشتی، ۱۳۸۷: ۲ و صافیان، ۱۳۹۰: ۱۰۲) و یا تلقی که امروزه از آن به عنوان سرپناه (بهشتی، ۱۳۷۰: ۲-۱ و رپوپورت، ۱۳۸۲: ۹۳) است، از نبود همین بی‌قراری حکایت می‌کند و باعث حجابی شده تا انسان را دچار سیری کاذب کند و تمنای برخی نیازها را در او نادیده انگارد. شاید عقبه‌ی چنین دیدگاه‌هایی را باید از طرز تلقی انسان از حیات و نیازهای او پی گرفت.

بررسی و مطالعات انجام شده به این نکته تأکید دارد که، معماری دوره سنت<sup>۱</sup> از قابلیت‌ها یا مؤلفه‌های کیفی متعددی برخوردار بوده است. به طوری که گستره‌ی آن از فرهنگ، سنت، باورها و اعتقادات گرفته تا تحولات تاریخی و سرزمینی را در بر گرفته است. اهداف و راهکارهایی که بخشی از آن در تقویت وجه آسایشی و نیازهای جسمی دنبال شده و بخشی در تقویت وجه آرامشی و نیازهای روحی دیده شده است. اندیشمندانی در این حوزه مطالعه و هر یک به نوعی وجوهی از معماری دوره سنت را معرفی و ارائه داده‌اند. افرادی چون «رپوپورت و الکساندر» و در فضای اندیشه‌ای متفاوت تری شولتز و مقتدای وی هیدگر به وجوه متنوعی از این معماری اشاره کرده‌اند. ولی مطالعات به انجام رسیده

۱. منظور از معماری دوره سنت در متن مقاله، اشاره است به هر آنچه مربوط به دوره مابقی مدرن می‌باشد.

توسط اینان، تنها تلاشی در جهت بازخوانی بخشی از ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و صفات معماری دوره سنت بوده و هنوز می‌توان لایه‌های دیگری از این اتمسفر سنگین و غنی معمارانه را هم چنان احصاء نمود و به معماری درخور برای زندگی امروز معرفی کرد. حدس ما بر این است که مؤلفه‌هایی قادر هست مرتبه‌ای از حیات را در انسان و ساخته‌ها تشدید کند و در برخی از آثار معماری گنجانده شده است. گمان می‌رود این معیارها را می‌توانیم در معماری بومی و نیز معماری دوره سنت پیدا کنیم. مؤلفه‌هایی متفاوت که - معمارباشی‌ها (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۲۱-۲۱۵) - به مدد شناخت از محیط و نیز شناخت واثق از بناهای متعدد آن دوران و کاربست شگردهای مبتنی بر آن توانسته‌اند گونه‌هایی متفاوت از کیفیت در فضاها و مکان‌های مختلف معماری را ایجاد کنند. بدین نحو مراتبی از کیفیت پدید می‌آید و در ساخته معماری به ودیعه گذارده می‌شود. شاید بهترین شاهد این مدعا خانه‌های تاریخی در بافتهای بارز شهرهایی مانند یزد است.

در همین خصوص این مقاله، مترصد بازخوانی و پیگیری اولویت حضور مؤلفه‌های بنیادینی است که در معماری خانه‌های دوره سنتی حضور دارد. به احتمال، بررسی و سنجش اعتبار این مؤلفه‌ها در معماری خانه، به خلق مکانی واجد ارزش و اصالت تاریخی فرهنگی کمک می‌کند و این مفروض وجود دارد که به ایجاد، احیاء و یا بازیافت کیفیاتی در بنا می‌انجامد و نیز خاطرهای جمعی - از آن چه «یونگ» می‌گوید- و یا فردی را به یاد می‌آورد. می‌توان امیدوار بود که از این فراگرد بایسته‌های معمارانه‌ای برای ساخته‌های امروز بازجسته شود و تا حدی حس حضور و سرزندگی در مکان شهری نیز تقویت گردد.

## پیشینه تحقیق

مطالعات گسترده‌ای در خصوص خانه و تأثیر حیاط بر الگوی خانه‌ها و نقش آن بر زندگی و حیات ساکنین انجام گرفته است. همچنین پیرامون مقوله‌ی حیات در ساخته‌ها نیز افرادی چون الکساندر پیشگام در تبیین این موضوع بوده است. اما در خصوص مؤلفه‌های کالبدی حیات که در معماری خانه‌های دوره‌ی سنتی توسط معمار باشی‌ها بکار گرفته شده تحقیقات چندان صورت نگرفته است. از همین رو اعتبار حیاط به عنوان شاخصه و محور پیوند ساکنین مطرح می‌شود تا جهت‌گیری زندگی را در مواجهه با مقولات کیفیت حیات انسان در مکان زیستی بیش از پیش واجد اعتبار و متأثر از خویش نماید.

«تأملی بر مقام حقیقی حیاط در معماری» رساله‌ای است که به بازخوانی عالمانه از ساخته‌ها و نساخته‌ها در معماری دوره سنت می‌پردازد. محقق تلاش می‌کند تا علاوه بر پرداختن به حکمت و مفهوم حیاط به صورت و جنبه‌ی کارکردی آن نیز اشاره کند. محقق همچنین به طور ضمنی حیاط در معماری را به حیات روحی انسان پیوند زده است (صنعتی، ۱۳۸۵). رابطه با طبیعت و عناصر مختلف موجود در حیاط خانه‌ها، اهمیت فضا در کشورهای

مختلف شرقی و غربی، فلسفه و مباحث زیبایی‌شناسی و نیز اهمیت به فضای باز خانه‌ها و معرفی الگوهایی از خانه‌های اصفهان، کاشان و تهران چارچوب کلی است که در کتاب «حیات در حیات» به آن پرداخته شده است (نایی، ۱۳۸۱).

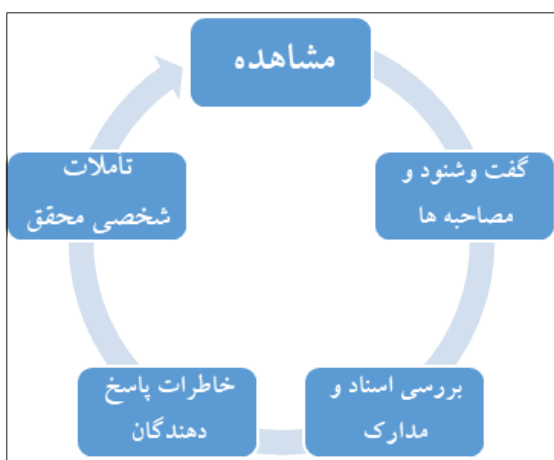
واکوی معنای هویت در سنجش پارادایم، تحلیل جایگاه هویت بخشی در بافت شهر مطرح می‌کند. در این تحقیق مؤلفه‌هایی چون؛ پویایی فضا، تقویت حس تعلق به مکان، تنوع فضا و نیز عناصر هویت بخشی به بافت شهری به عنوان چهار مؤلفه حیات‌بخش در نظریه برخی اندیشمندان شهرساز و معمار مطرح می‌شود که دستیابی به حیات‌مندی در ساخته‌ها را تقویت می‌کند (نصر، ۱۳۹۳: ۲۱). بازشناسی اصول خانه‌های سنتی یزد مقاله‌ای است که به استخراج مؤلفه‌های خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای روانشناختی می‌پردازد (سلیمانی و مندگاری، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۹۹). تحقیقات دیگری نیز پیرامون بازشناسی مفهوم سکونت با رجوع به مصادیق حیات‌خانه‌های سنتی (حنیف، ۱۳۹۷: ۴۴-۳۱) و یا تشریح خانه‌های سنتی با محوریت حیات و واکوی نقش عناصر شکل دهنده کالبد و قواعد حاکم بر آن (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳) انجام گرفته است. اما مفهوم حیات نیز همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در میان اندیشمندان بوده است که پیوند آن با مکان زیستی کمتر در این تحقیقات مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم در نزد انسان معاصر از وجوه مختلفی برخوردار است. کریستفر الکساندر در کتاب چهار جلدی سرشت نظم و نیز کتاب گران‌سنگ نبرد حیات و زیبایی زمین‌آبه این مقوله می‌پردازد. در همین رابطه در بخشی از جلد اول کتاب سرشت نظم به تشریح پانزده خصلت بنیادین پدیده‌های زنده نیز اشاره می‌کند (الکساندر، ۱۳۹۴: ۲۰۲-۱۰۹) که تا حدی جهت شناخت ساخته‌هایی حیات‌مند به مخاطب کمک می‌کند. وی به روش مشاهده و مقایسه، پدیده‌های مختلف را مورد بررسی و سپس ارزیابی قرار می‌دهد. همچنین تلاش داشته تا ویژگی‌های معمولی و ساده که در پدیده‌ها بارها و بارها تکرار می‌شود را استخراج نماید. انتقال تجربیاتی که در طی سالیان متمادی بدست آورده او را در حوزه نظر پیرامون مقوله حیات در ساخته به یکی از معتبرترین شخصیت‌ها مبدل نموده است. در بخشی از مطالعات انجام شده به تبیین پانزده خصلت بنیادین پدیده‌های زنده می‌پردازد که شامل؛ سلسله مراتب مقیاس، مراکز نیرومند، مرزبندی، تکرار متناوب، فضای متعین، شکل خوب، تقارن موضعی، ابهام و انسجام عمیق، تضاد، مراتب تدریجی، ناهمسانی، پژواک، فضای خالی، سادگی و آرامش درون و جدائی ناپذیری می‌باشد.

وی این پانزده خصلت را از یک کلیت دانسته است که قادر هستند پدیده‌ای را به مرتبه‌ای از حیات نزدیک گردانند. این پانزده خصلت همگی، سیرت و ذات نظام‌های زنده را تعیین می‌کنند. بنابراین در این مقاله تلاش می‌شود تا مؤلفه‌های اثرگذار در کالبد

حیات‌خانه‌های دوره سنت که قادر است حس برانگیزش را در ساکنین تا حدی تقویت کند پیگیری می‌شود.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش کیفی انجام یافته که روش تئوری برگرفته از زمینه، از «رویکرهای راهبرد کیفی» (گروت، ۱۳۸۸: ۱۸۰) است که در اجرای فرایند تحقیق و انجام مراحل کار میدانی از آن استفاده شده است. نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، روشی استقرایی در نظریه‌پردازی است. از دیگرسوی، هدف عمده‌ی این روش، ارائه‌ی (توصیف عمیق) از واقعیت تحت بررسی است. اما دستیابی به این توصیف، نیاز به فنون و ابزارهایی دارد تا به کمک آن بتوان داده‌های گردآوری شده را سازماندهی و تنظیم کرد و به نظریه‌ای مبتنی بر واقعیات دست یافت (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱- داده‌های کیفی در نظریه داده بنیاد

این نوع نظریه را نظریه زمینه‌ای می‌خوانند که مستقیماً از داده‌هایی استخراج می‌شود که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند. از این رو، لازمه‌ی پیگیری مقوله‌ی حیات در معماری برخی خانه‌های دوره‌ی قاجار، بازگشت به زمینه‌ای است که نتیجه‌ی آن را در روند مطالعه و بررسی شواهد و استنادها بتوان دنبال کرد. گردآوری اطلاعات میدانی، با حضور در برخی خانه‌ها انجام می‌گیرد. بر همین اساس، فرایند گردآوری اطلاعات میدانی شامل: انجام مصاحبه، بررسی بناها و مشاهده‌ی فضاها، تصویربرداری، صدابرداری و مطالعه‌ی اسناد و مدارک و یافته‌های شخصی نگارنده‌گان می‌باشد.

لذا در گام اول با مراجعه به بافت تاریخی یزد و نیز بررسی استنادها و مدارک ثبتی از سازمان‌های متولی، تعدادی از خانه‌های دوره‌ی قاجار را که به حدس و گمان، کیفیت مطلوبی به لحاظ تاریخی و یا حفاظت دارند، شناسایی و معرفی می‌شود. در ادامه، تلاش می‌شود ویژگی‌های موجود در کالبد بنا، به روش مشاهده و توصیف ثبت شوند و جهت افزایش اعتبار درونی مؤلفه‌های استخراج‌شده از این روش، با مشورت بعضی از استادان معماری مورد «ارزیابی» قرار گیرد.

در گام دوم با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد، مصاحبه‌هایی

1. The Nature of Order
2. The Battle for the Life and Beauty of the Earth

انجام می‌گیرد که در فرایند آن، کدهای باز<sup>(۳)</sup>، محوری<sup>(۴)</sup> و انتخابی<sup>(۴)</sup> (استراوس، ۱۳۹۵: ۱۸۲-۱۲۳) مشخص می‌شوند. در ادامه، با «مطالعه تطبیقی»، یافته‌های گام اول و دوم تطبیق داده شده و در نهایت، با ثبت جنبه‌های مشترک و اختلاف‌ها، تلاش می‌شود رابطه‌ای معنادار میان آن‌ها کشف شود. با توجه به نتایج گام سوم تلاش می‌شود طبقه‌بندی از مؤلفه‌های مؤثر در کالبد حیات ارائه شود که موجب ارتقای کیفیت حیات در معماری می‌شود.

## مبانی نظری خانه زنده

سکونت و زندگی، سنت دیرینه بشر است و مسکن به مثابه پاسخ به نیازهای فردی و اجتماعی، مکانی محدود از فضای زندگی اجتماعی است که طی دوران متمدنی شهرنشینی، بدنبال تکامل فرهنگی و مدنی، تحت تأثیر دگرگونی‌ها و تغییرات عمده کالبدی قرار گرفته است. خانه یا محل زندگی انسان امروز همانند دیگر مفاهیم چون؛ فضا و مکان تعریف دقیق‌تر و گاه پیچیده‌تری یافته است. خانه در آواز خود می‌گوید که چگونه سازندگان از عهده سازش با محیط برآمده‌اند و آن‌گاه به پرتوافکنی آن چه آنان بر اثر موجودیت خود در جهان گردآورده‌اند می‌پردازد. برخی از خانه‌ها خاموش‌اند، شماری از آنان فریاد برآورده و باقی نغمه سر می‌دهند. نغمه‌ای که بر گوش دل می‌نشیند (شولتز، ۱۳۸۱: ۱۶). بخشی از تعبیر و یا گزاره‌هایی متعدد که در خصوص خانه بکار برده می‌شود، به نظر حاصل بهره‌گیری و یا عدم استفاده از مؤلفه‌هایی می‌تواند باشد که قادرند، بودن و معنای حیات و زندگی انسان را در فضای خانه حکایت کنند. به اعتقاد شولتز؛ وظیفه اصلی هر خانه افشای جهان نه به صورت گوهر و عصاره آن است، بلکه به شکل فراخوان یعنی در قالب؛ گیاه، رنگ، نمایش فصول، ماده، آب و هوا و نور تحقق پیدا می‌کند (اسلام‌پور و میرریاحی، ۱۴۰۰: ۹۱).

این‌گونه به نظر می‌رسد که طراحان یا سازندگان برای تحقق یک خانه‌ی ایده‌آل و مطلوب هم‌زمان به معیارهایی اندیشیده‌اند و آن را در ساخته‌ها به ودیعه نهاده‌اند تا تحقق یک زندگی آرمانی را جامه‌ی عمل ببوشانند. البته بخشی از این معیارها ریشه در کهن‌الگوها (یونگ، ۱۳۷۷) داشته و بخشی دیگر نیز حاصل خلاقیت و تکنیک می‌باشد (کیمون نیکولائید، ۱۳۶۲ و نوایی، ۱۳۹۰) که سازندگان در پاسخ به شرایط اقلیم، روحیات و عواطف، رفتارها و عوامل متعدد دیگر قادر بوده‌اند تا به گونه‌ای خلاقانه نقش‌بند طرح‌از خانه‌ها باشند. در این میان هیچ فهرستی از عناصر و روش‌های سازنده در معماری مسکونی نمی‌تواند تصویری گویا از جذابیت و افسون یک خانه خوب ایرانی ارائه دهد؛ نقشه بنا تقریباً همیشه ساده، منطقی و راحت است. ارتباط فضای داخلی به خارج به خوبی برقرار است. تناسبات همیشه موفق نیستند ولی گهگاه دل‌پذیرند و معمولاً خانه با محیطش چنان سازگاری پیدا می‌کند که نمی‌توان جدا از آن درباره آن به داوری نشست (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۴۱۷-۱۴۱۶). اما آنچه باعث می‌شود افرادی چون؛ شولتز، الکساندر، پوپ و

محققین دیگر ساخته‌های معماری دوره سنت را واجد ارزش و اعتبار بیشتری قلمداد کنند، حضور کیفیاتی در بناها می‌باشد که تا حدی حس برانگیزش انسان و زنده بودن را در او شعله‌ور نماید. به عبارتی دیگر مسکن دوره سنت به شدن انسان، هویت یافتن و آرامش قلبی او کمک می‌کند (اخوت، ۱۳۹۲: ۸). از همین رو این جمله از سالینگروس قابل تأمل است؛ معماری سنتی با ریشه‌هایش، در فعالیت‌های نسبتاً ساده انسانی بود که زنده می‌ماند و خود را باز تولید می‌کرد (سالینگروس، ۱۳۹۳: ۸۲). با این توضیح چنین می‌توان انگاشت که تبیین مؤلفه‌هایی کیفی و کاربردی آن در بافت‌های شهری و تحقق این مطلوبیت در معماری خانه‌های معاصر مسیر را برای دستیابی به آثاری زنده تسهیل می‌کند.

## حیاط زنده

حیاط در فرهنگ دهخدا به معنای محوطه و هر مکانی که با دیوار محصور شده باشد آمده است. واژگان دیگری مانند ساحت، صحن، میان‌سرا و صحن‌سرای نیز به همین معنا هستند. فضای باز میانی بنا که مرکز مشخصی را پدید می‌آورد و موجب تشکیل اجزای مختلف طرح می‌شود. حیاط فضای بازی است که در میان بنا قرار می‌گیرد و نقش قلب در معماری خانه و روح دمنده در بنا را ایفا می‌کند (نوایی، ۱۳۹۰: ۵۶).

برخی از پژوهندگان و معماران، به ویژه استاد پیرنیا بر این باورند که معماری ایرانی، در بطن خود دارای اصول و قواعدی است. در این میان، برخی محققین مقوله‌ی حیاط خانه را نیز به این اصول افزوده‌اند (کاتب، ۱۳۸۴: ۴۵). نشانه‌ی مالکیت، هماهنگ کردن قسمت‌های مختلف خانه، ارتباط دادن بین فضاهای مختلف، ایجاد فضای سبز، کانال مصنوعی برای عبور هوا، عنصر مهم در سازماندهی طرح خانه، محلی امن و آرام برای استراحت و تفریح اهل خانه، از جمله کاربردهای آن به شمار می‌آید. در خانه‌هایی که حیاط دارند، یک یا چند خصوصیت به چشم می‌خورد. از همین رو، حیاط بارزترین مکان در سازماندهی طرح خانه‌هاست (معماریان، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۵ و کاتب، ۱۳۸۴). اما اجزای شکل‌دهنده‌ی حیاط خانه‌ها عموماً یکسان‌اند.

حیاط برای ساکنانش چشم‌داشت آنان در کیفیت حیات داشتن را فراهم می‌کند. البته می‌دانیم که حیاط زنده به ارزش‌های ظاهریش نیست، بلکه زنده بودن امری ذاتی و مختص ساختار و صفت خودبانی‌ای که حیاط زنده دارد، جوهر حیات آن است (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

معمارباشی‌ها تلاش داشته‌اند تا راهکارهایی را برای سکونت در کویر اتخاذ کنند. این راهکارها با ایجاد الگوهای محقق شده است که گاهی محیطی سرسبز و پُرطراوت را خلق کرده و آن را به کانونی گرم مبدل نموده‌اند. به تعبیر هایدگر، الگویی روح‌افزا برای تجربه زیستی (هایدگر، ۱۳۷۹: ۵۸) عالمانه تدبیر کرده و برگزیده‌اند. این تجربه آنگاه به اوج خود می‌رسد که با آسمان پیوند یافته است و در این صورت بوده که حیاط، امکان یگانگی در کرانگی (هایدگر،

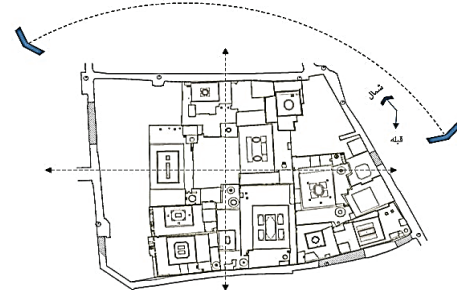
ردیف	نام گونه	فرم نمادین	نمونه انتخابی	
۱-۴	یک حیاطه	سه جبهه	خانه کلاهدوزها	
		دو جبهه (مقابل)	خانه وزیری	
		چهار جبهه	خانه صدا و سیما	
		کوشک	خانه اخوان تبریزی	
۵-۱۴	دو حیاطه	اندرونی - بیرونی	خانه لاریها	
		گردال باغچه	مربع - مستطیل	خانه ترقی
			هشت ضلعی	خانه احمد میرزا ملک
		حیاط روی ساباط	خانه خان بهادر	
		حیاط سقف	خانه بابایی	
		چند حیاطه	متعارف (چند حیاط مرکزی)	خانه گلشن
			گردال باغچه + گردال باغچه	خانه امامزاده ای
			گردال باغچه + حیاط مرکزی	خانه اولیا
			دو حیاط مرکزی + حیاط یک جبهه	خانه تهرانی
		حیاطهای غیر هم سطح	خانه پاپلی	
۱۵	چهار صفا		خانه مهر بانو	
		در حیاطه	چهار صفا + باغ	خانه اردشیر
			چهار صفا + حیاط	خانه فرخ اورمزدی
۱۸	چهار صفا + حیاط یکطرف	خانه جانفقا (این خانه همبر بر از خانه‌های زرتشتی‌نشین دارد)		
۱۹-۲۰	صفا دار	یک جبهه	خانه باغ رحمانی	
		دو جبهه	خانه باغ عبد الرحیم خان	
		خانه باغ	حیاط + باغ (با شکل)	خانه باغ اربابی
دو حیاط + باغ	خانه باغ مشیر رحیم آباد			
گردال باغچه + باغ	خانه باغ علومی			
۲۱-۲۳	تزیینی			

تصویر شماره ۴ - بخشی از الگوهای شکلی خانه‌های سنتی یزد (منبع: مرکز اسناد دانشکده معماری یزد).

۱۳۷۹) را فراهم نموده باشد - بخشی از آسمان و آنچه را که در آن است، در قابی بالای سر به نمایش می‌گذارد - به نظر می‌رسد فهم و درک معمارباشی‌ها در کرامت‌بخشی به انسان، این چنین هسته‌ی مرکز خانه را کانون رویدادها، رفتارها، تجلی مفاهیم و ارزش‌ها قرار می‌دهد و البته به نقل از هایدگر، این‌ها کاری است که می‌گذارد خدا حضور داشته باشد (هایدگر، ۱۳۷۹: ۲۷). حقیقتی که نمی‌توان فراموش کرد اینکه؛ حیاط به عنوان مرکز و کانونی نیرومند در طرح‌مایه خانه‌های دوره سنت امکانی را فراهم می‌سازد تا جهت یا مرکز ثابت و معین در جهانی کوچک به نام خانه شکل گیرد. خلقت آدم به عنوان عالم صغیر در نقطه مقابل آفرینش جهان -عالم کبیر-، در نقطه‌ای میانه و در مرکز جهان صورت گرفته است (eliade, 1991: 16). این فضا نه تنها به وجود آدمی مرکزیت می‌بخشد بلکه سبب می‌شود که او فعال و خلاق نیز گردد.



تصویر شماره ۲ - دلایل رجوع به خانه‌های دوره قاجار



تصویر شماره ۳ - بخشی از بافت تاریخی شهر یزد و موقعیت استقرار خانه‌های مورد مطالعه در بافت (منبع: مرکز اسناد دانشکده معماری یزد).

## احصای مؤلفه‌های حیات‌بخش در حیاط‌خانه‌های دوره قاجار یزد.

نقطه اوج معماری یزد که انعکاس دهنده ویژگی‌های آن است در معماری خانه‌ها تجلی می‌یابد. بسیاری از محققین معماری، خانه‌های دوره قاجار را نقطه اوج معماری خانه‌های ایرانی در پرداختن به این فضا می‌دانند (آیت‌الله زاده شیرازی، ۱۳۸۵ به نقل از قاسمی سیچانی و معماریان، ۱۳۸۹: ۹۴-۸۷)، از همین رو پرداختن به خانه‌های دوره قاجار واجد اعتبار نسبی می‌باشد (تصویر شماره ۲). خانه‌های قاجاری محصول یک دوره مداوم و منسجم‌اند که در آن، برخی فرم‌های خاص معماری دستخوش تغییراتی تدریجی ولی پرجاذبه شده است. این تغییرات به ویژه در پایان دوره قاجار، به تغییرات عمده در ویژگی‌های خاص معماری ایرانی انجامید و در نتیجه آن، هویت فرهنگی معماری بومی ایرانی به مخاطره افتاد و علت اصلی آن هم نفوذ روز افزون عناصر فرهنگ

بیگانه در زندگی ایرانی‌ها بوده است. برخی از این تغییرات؛ کمرنگ شدن قوس‌های جناقی در پوشش فضاها، منسوخ شدن بالاخانه و گوشواره‌ها طرفین، کمرنگ شدن سایبان‌های عمودی و افقی و موارد دیگر را می‌توان اشاره کرد (کاتب، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

اما رجوع به الگوهای معماری بومی از این منظر قابل اهمیت است که می‌تواند مجموعه‌ای غنی از الفبای معماری که در آن به ودیعه گذارده شده را کشف نمود و این در حالی است که کالبد معماری با گذشت سده‌های متمادی از ساخت، همچنان فعال و پویا بوده و تا حدی قدرت برانگیزش را برای انسان دوره معاصر به ارمغان می‌آورد. اینک می‌دانیم فهم و درک الگوهای گذشته راه رسیدن به موفقیت را تسهیل می‌کند، زیرا نتیجه تجربیات مردم طی اعصار و زمان می‌باشد (مهاجری و قمی، ۱۳۸۷: ۵۵). بافت تاریخی یزد که جزئی از میراث جهانی می‌باشد حکایت از آن داشته که مؤلفه‌های کیفی حیات‌بخش توسط معمار باشی‌ها در آن به

جدول شماره ۱- فرایند کدگذاری در مصداقی از مصاحبه انجام گرفته

متن مصاحبه	کد باز	کد گذاری	مقوله‌بندی	کد محوری	کد انتخابی اولیه	عامل
اگر بخواهیم حیات را حس کنیم، این حیات بر اساس تغییراتی که درون آن اتفاق می‌افتد درک می‌شود.	تغییرات داشتن تغییر در درون داشتن تغییر در بیرون داشتن درک داشتن احساس داشتن	A-C-1 A-C-1-1 A-C-1-2 A-b-1 A-b-1			عامل زمینه‌ای	
در این خانه‌ها تغییرات را احساس می‌کنیم (صبح بود، آفتاب داخل فضا وارد شد، سایه‌ای آمد) در جبهه‌های مختلف موجب می‌شود این تغییرات را بیشتر احساس کنیم.	احساس تغییر داشتن درک از صبح داشتن آفتاب داشتن سایه داشتن آفتاب سایه داشتن تضاد داشتن درک از تغییرات در جبهه‌های مختلف حیاط داشتن تغییرات داشتن احساس تغییر زمان داشتن	A-b-2 A-b-3 A-a-1 A-a-2 A-c-2 A-C-2 A-b-4 A-C-1 A-b-5	تقویت وجه ادراکی فضا	- (تغییر پذیری) حس تغییرمندی در کالبد - (سنجش پذیری) درک و سنجش زمان در معماری خانه - (حرکت‌مندی) درک حرکت در اجزای معماری	تغییرمندی	عوامل علی- رفتاری + مفهومی
نور در قسمت بالا و درون تاقچه‌ها می‌افتد. در ساعات خاص در فصل‌های مختلف (زمستان و تابستان) شرایط متفاوت می‌شود	حضور نور (تشنه) درک ساعات خاص تغییر فصل داشتن رابطه نور و تاقچه نسبت (بالا و پایین) داشتن معیار حرکت داشتن حرکت داشتن تاقچه داشتن	A-a-4 A-b-6 A-b-7 A-m-18 A-p-1 A-e-1 A-e-2 A-f-2		تداوم فضایی تداوم بصری معیارمندی و نسبت سنجی تغییرمندی زمان‌مندی	زمان‌مندی	عوامل علی- مفهومی
عنصر شاخصی که بتواند برای انسان تصویر ذهنی باقی بگذارد؛ یعنی یک ویژگی منحصر بفردی (داشته باشد) که شخص بتواند آن حیاط را بیاد آورد. این باعث تداوم تصور از حیات می‌شود. بنابراین این برای من زنده است	شاخصه داشتن تصویر ذهنی داشتن بیاد آوردن (یادآوردی) نوستالژی داشتن خاطره سازی کردن تداوم داشتن شاخصه‌ی رفتاری شاخصه عملکردی شاخصه تزیینی شاخصه بصری شاخصه ترکیبی	A-z-1 A-z-2 A-i-15 A-z-1 A-i-12 A-bz-1 A-z-4 A-z-5 A-z-6 A-z-7 A-z-8	تأثیر گذاری بر وجه ادراکی و تأکید بر تقویت وجه کالبدی معماری	خاطره سازی نوستالژی شاخص سازی شخصیت سازی تداوم مندی تصور ذهنی تداوم بصری تداوم فضایی هویت سازی مرکز نیرومند	نوستالژی	عامل علی- مفهومی

جدول شماره ۲- شروع و پایان کدهای باز استخراجی از مصاحبه و تبدیل آن‌ها به کدهای محوری

ردیف	کد شروع	کد پایان	کد محوری	ردیف	کد شروع	کد پایان	کد محوری
۱	A-a-1	A-a-15	طبیعت	۱۴	A-z-1	A-z-18	نشانه
۲	A-b-1	A-b-10	احساس و درک (تغییر)	۱۵	A-m-1	A-m-18	رابطه
۳	A-c-1	A-c-13	تغییر	۱۶	A-n-1	A-n-5	سازگاری
۴	A-y-1	A-y-7	مکان	۱۷	A-o-1	A-o-5	جهت
۵	A-e-1	A-e-5	حرکت	۱۸	A-p-1	A-p-10	نسبت و مقیاس
۶	A-f-1	A-f-1	کالبد	۱۹	A-q-1	A-q-2	نشانه تغییر
۷	A-g-1	A-g-4	رابطه با زمان	۲۰	A-r-1	A-r-8	پویایی
۸	A-h-1	A-h-4	رابطه با انسان	۲۱	A-s-1	A-s-7	موقعیت
۹	A-i-1	A-i-15	رابطه- گذشته	۲۲	A-t-1	A-t-4	وسعت
۱۰	A-j-1	A-j-7	رابطه- نوستالژی	۲۳	A-u-1	A-u-13	تنوع
۱۱	A-k-1	A-k-3	طبیعت	۲۴	A-v-1	A-v-2	نظم
۱۲	A-bz-1	A-bz-4	تداوم ذهنی	۲۵	A-w-1	A-w-18	سهم- حد
۱۳	A-cz-1	A-cz-3	مرکز نیرو	۲۶	A-x-1	A-x-3	سنت خانواده

ودیعۀ نهاده شده و احتمالاً این ظرفیت را دارد که با شناخت آن بتوان در معماری دوره معاصر نیز مورد استفاده قرار گیرد (تصویر شماره ۳). به همین سبب جهت شناخت و دستیابی بهتر سعی شده تا دسته‌بندی برای خانه‌ها در نظر گرفته شود.

همانگونه که می‌دانیم؛ خانه‌های یزد از شکل‌های متنوع برخوردار است (تصویر شماره ۴). این الگوها در دوره‌های مختلف تاریخی تنوع شکلی را نشان می‌دهد. از خانه‌های یک تا چند حیاطه، صفه‌دار، خانه با الگوی گودال باغچه، خانه باغ و یا ترکیبی از این الگوها را در بافت تاریخی یزد می‌توان دید. با محدود ساختن تحقیق به دوره قاجار، عمده خانه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود. دسته اول؛ خانه‌های حیاط‌دار معمولی و ساده است که الگوی سکونتی برای عموم مردم محسوب می‌شود. دسته دوم؛ الگوهای از خانه‌های رایج است که در نسبت با خانه‌های دیگر، فضاها از تنوع نسبی بیشتری برخوردار می‌باشد و برای اقشار متوسط جامعه ساخته شده است. دسته سوم؛ خانه‌های اعیانی است که از وسعت و امکانات بیشتر، عناصر فضایی و نمادین و همچنین تزیینات بهره‌مند می‌باشد. در همین رابطه به منظور پیگیری حضور مؤلفه‌های کیفیتی حیات‌مند، برخی الگوها که شامل حیاط مرکزی، گودال باغچه‌دار و خانه باغ بود از میان الگوهای دیگر انتخاب و بر مبنای روش داده‌بنیاد مورد مطالعه قرار گرفت.

### فرایند احصاء مؤلفه‌ها

به منظور احصاء مؤلفه‌های کیفیت حیات‌مند از حیاط خانه‌های دوره سنت که بر مبنای روش داده‌بنیاد انجام می‌گیرد بهره‌گیری از ابزار مصاحبه فرایند احصاء را از اعتبار کافی برخوردار می‌سازد. این مصاحبه‌ها که با برخی اساتید معماری دانشکده هنر و معماری

دانشگاه یزد و نیز تعدادی از ساکنین بافت تاریخی انجام گرفته تا رسیدن به اصل اشباع ادامه یافته است. همچنین تلاش شده تا فرایند احصاء با کدگذاری‌هایی انجام شود. لذا به منظور آشنایی با این فرایند دسته‌بندی و پاراگراف‌گذاری در نمونه‌ای از مصاحبه انجام شده با کدگذاری‌هایی (کدهای باز، محوری و کد اولیه انتخابی) مشخص شده است (جدول شماره ۱).

همان‌گونه که ملاحظه شد، در (جدول شماره ۱) تلاش گردیده تا به ترتیب پس از ثبت مصاحبه، دسته‌بندی و پاراگراف‌گذاری از «کدهای باز» استخراجی انجام گیرد. در (جدول شماره ۲) که حاصل تحلیل اطلاعات مرحله‌ی قبل است، یعنی کدگذاری مصاحبه‌ها - که در مصداق بالا مشخص است - سعی شده تا کدهای باز استخراجی در بقچه‌هایی قرار گیرند، به طوری که در نسبت مفهومی با یکدیگر باشند. از همین رو، در مقوله‌بندی‌ها تاجایی ممکن تلاش گردید تا کدهای محوری جهت‌دهی این کدهای باز را مشخص نمایند. به منظور آشنایی و فهم بهتر این موضوع، ردیف‌های مشخص شده (جدول شماره ۲) کدهای باز در شروع و پایان را نشان می‌دهد و در ادامه نیز «کد محوری» اختصاص یافته به آن کدهای باز قید شده است.

در (جدول شماره ۳) تلاش گردید تا کدهای محوری مشخص شده در (جدول شماره ۲)، براساس خط و ربط‌هایی که ممکن است با یکدیگر داشته باشند، مورد واکاوی و بررسی مجدد قرار گیرد. نتیجه‌ی به‌دست آمده، اجماع برخی مقولاتی است که به نظر می‌رسید در نسبت با یکدیگر باشند. از این رو، پس از آنکه کدهای محوری مجدداً بازنگری شد، بقچه‌های کلی‌تری برای آن منظور شد و آن بقچه تحت عنوان «کد انتخابی» که بتواند آن موضوعات را تحت پوشش قرار دهد، در نظر گرفته شد.

جدول شماره ۳- فرایند اجماع کدهای محوری و تبدیل آن به کدهای انتخابی

تجمیع کدهای محوری	کدهای انتخابی	تجمیع کدهای محوری	کدهای انتخابی
A-p-1& A-p-10	نسبت و مراتب مقیاس	A-m-1& A-m-18 A-h-1& A-h-4 A-g-1& A-g-4	رابطه مندی
A-cz-1& A-cz-3 A-z-1& A-z-18	مرکز نیرومند	A-a-1& A-a-15 A-k-1& A-k-3	طبیعت
A-u-1& A-u-13 A-c-1& A-c-13 A-q-1& A-q-2 A-e-1& A-e-5 A-b-1& A-b-9 A-r-1& A-r-8	تغییر مندی	A-s-1& A-s-7 A-y-1& A-y-7 A-t-1& A-t-4 A-o-1& A-o-5 A-n-1& A-n-5	مکان مندی
A-j-1& A-j-7 A-bz-1& A-bz-4 A-x-1& A-x-3 A-i-1& A-i-15	کهن الگوها	A-w-1& A-w-18	خدمندی (حریم)
-	-	A-v-1& A-v-2	انسجام و نظم

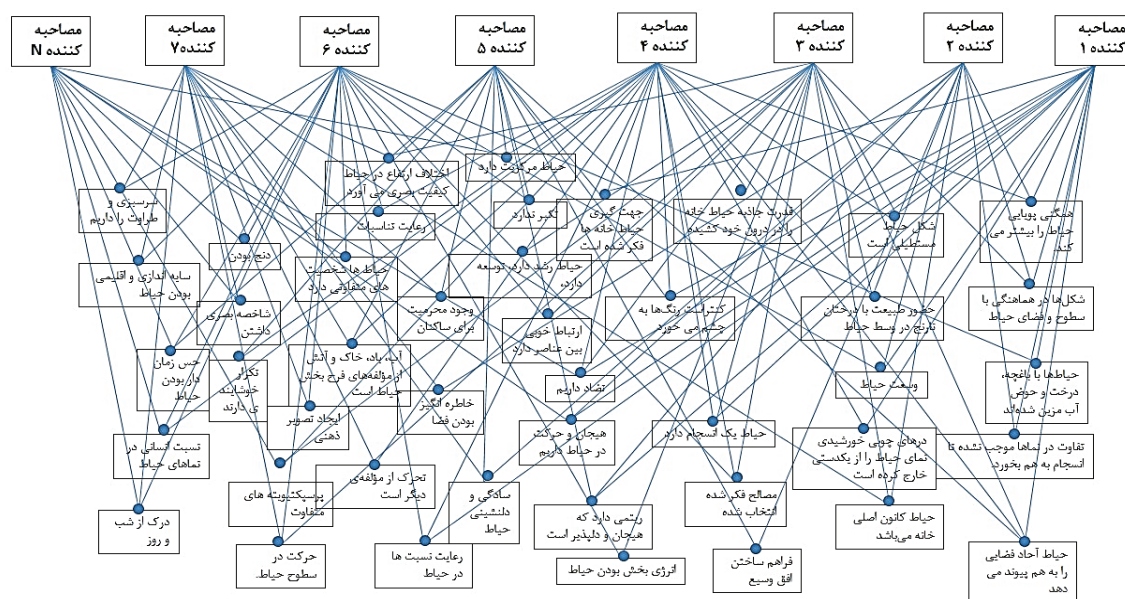
به نظر می‌رسد هم ویژگی‌های کمی را شامل شده و هم گزاره‌هایی کیفی را مورد نظر قرار می‌دهد (تصویر شماره ۵). تحلیل‌ها بر مبنای مصاحبه‌های انجام شده تقریباً ۱۲۰۰ کد باز و نیز بر مبنای توصیف فضاها حدود ۱۱۰۰ کد باز و در مجموع بیش از ۲۳۰۰ کد باز را در مرحله اول و بدون پایش نشان می‌داد که این تعداد از کدها در برخی با تکرار نیز همراه می‌شود.

در مرحله دوم، به منظور مشخص شدن دقیق‌تر کدها، علاوه بر اجماع گزاره‌های تکراری، شماره‌ای نیز به هر واژه تعلق گرفت تا تکراری بودن یا نبودن واژه مشخص شود که در مصداق طرح شده (جدول شماره ۱) ملاحظه می‌گردد. در این مرحله، کدهای باز به کمتر از ۸۰۰ مورد رسید. در مرحله سوم، با بررسی‌های مجدد از عبارت‌ها در مصاحبه و توصیف، گزاره‌هایی را که مصاحبه‌شوندگان با تأکید بر آن‌ها مفهوم یا مفاهیمی را تبیین کرده‌اند، با کد اصلی مشخص و گزاره‌های زیربخش آن را با کدهای متعلق به آن مفهوم

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در تحلیل کدهای به دست آمده از مصداق طرح شده، آنچه در مرتبه اول فراوانی بیشتری را نشان می‌دهد و جلب توجه می‌کند، تأکیدی بر مؤلفه‌ی «تغییر مندی» در حیاط خانه‌هاست. در مرتبه دوم، مؤلفه‌ی «مکان» و در مرتبه سوم، «کهن الگوها» قرار دارد. مؤلفه‌های دیگر نیز هر یک سهم قابل توجهی را در حیاط خانه‌ها نشان می‌دهند. بنابراین در تبیین این مصداق و روش احصا انجام گرفته، برخی از کدهای انتخابی مورد اشاره قرار گرفته که جزئی از منظومه‌ی مؤلفه‌های احصا شده در مجموع مطالعات میدانی می‌باشد.

### تحلیل یافته‌ها

بررسی‌های انجام شده بر مبنای روش داده‌بنیاد، نشان می‌دهد که در مصاحبه‌های انجام شده، وجوه و حدود متفاوتی از مقوله حیات مندی از حیاط خانه‌ها قابل شناسایی است؛ جنبه‌هایی که



تصویر شماره ۵- برخی از ویژگی‌های تبیین شده توسط مصاحبه‌شوندگان و نیز ارتباط و اشتراکات در بیان صحبت‌ها



## تبیین مؤلفه‌ها

هر چند مؤلفه‌های هر یک دارای وزن و اعتبار مشخصی در هر الگو از خانه‌ها می‌باشد اما برای مخاطب آشنا و حضور آن در حیات‌مندی خانه‌ها نسبتاً روشن و مشخص است. در ادامه سعی شده تا جنبه‌هایی که موجب تقویت آن در معماری حیات‌خانه‌ها می‌شود به اختصار تبیین شود.

### تغییرمندی (تنوع)

سازمان فضایی خانه‌های سنتی تغییر را در لایه‌های متفاوت و گسترده برای ساکنان به ارمغان می‌آورد. این تغییر منجر به تنوع شده و در مراتب کالبدی، مفهومی، حرکتی رفتاری و حتی ارزشی قابل ردگیری است. این موضوع در هر الگویی از ساخت خانه‌ها متفاوت است، به گونه‌ای که معمارباشی در هر الگویی، گونه‌هایی از تغییر و تنوع فضایی را با هوشمندی به کار گرفته است. اینکه هر لحظه و با گذر زمان با تغییری در فضای حیات مواجه باشیم و آن را تجربه کنیم، به نظر امکانی است که ما را از روزمرگی و یکسانی رها می‌کند. از تداعی حرکت اشکال و فرم‌ها گرفته تا حرکت آب و رویش درختان و یا زایش و حرکت سایه‌ها و حرکت باد این تغییرات را جذاب می‌کند.

این تنوع در لایه‌های دیگر می‌تواند ویژگی‌هایی را برای هر خانه ایجاد کند. از عناصر عمودی که از حیاط و در معماری بام قابل مشاهده است تا آرایه‌ها، وسعت و عمق بخشی به برخی فضاهای باز و نیمه‌باز این تغییر دیده می‌شود و در آن فضا و رفتار جدیدی قابلیت خلق شدن می‌یابد. اختلاف سطوح فضایی، ریتم و آهنگ نماها، تفاوت بین اجزای به کار گرفته شده در سطح و سطوح از دیگر مواردی است که تغییر و تنوع را شدت می‌بخشد. این تغییر در سطوح فضاهای باز، نیمه باز و بسته، بنا به نوع کارکرد و رفتارهای واقع شده در آن نیز متنوع است.

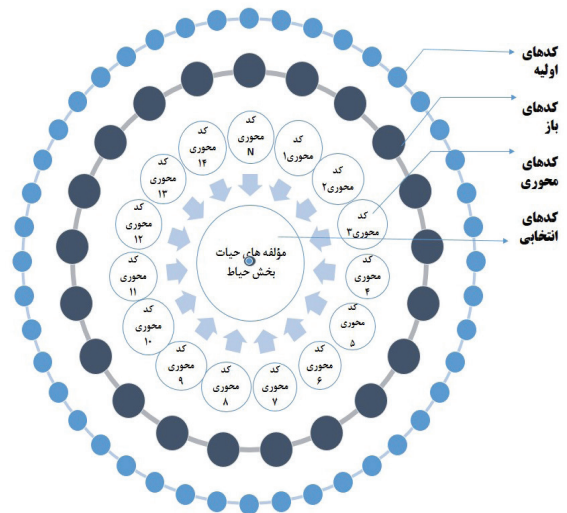
### مراکز نیرومند

مراکز نیرومند یکی از شاخصه‌های مهم خانه‌های سنتی است. مرکز یا مراکز نیرومند در هر خانه‌ای ممکن است متفاوت باشد. بخشی از ضرورت وجود این کانون‌های نیرومند، به واسطه رخدادها یا رفتارهایی است که در آن شکل می‌گیرد و حائز اعتبار و اهمیت می‌شود. فضاهای نیمه باز همچون تالار و ایوان، به عنوان محل تجمع که بخشی از زندگی ساکنان خانه در آن شکل می‌گیرد، به حیاط وسعت می‌بخشد و اعتبار کانون‌هایی را که رفتارها و اعمال در آن به شکل ویژه‌ای رخ می‌دهد، به همین سبب بالا می‌برد.

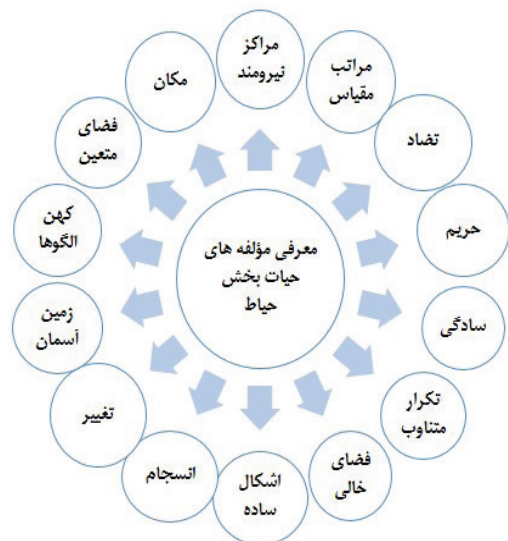
بخش دیگری از این مراکز نیرومند، علاوه بر جنبه‌ی کارکردی، واجد مفهوم است. این مراکز که حلقه‌ی واسط آن حیاط است، علاوه بر اینکه به تنهایی خود واجد کانونی مستقلی است- حضور آب، حوض، فضای سبز و آسمان که منظومه‌ای زیبا و دلنشین از همراه با طبیعت بودن را فراهم می‌آورد- ظرفیت گردآوری مراکز دیگر را نیز برعهده دارد. در این میان، استقرار عنصری عمودی با کارکردی اقلیمی و با بُعد نشانه‌ای و مفهومی (شأنیت‌بخش)، می‌تواند آن را به عنوان کانون نیروزا و در ارتباط با سایر اجزای

در نظر گرفته شده است تا بقچه‌بندی برای هر مفهوم معلوم و در نظر گرفته شود. این بقچه‌بندی‌ها در برخی موارد به تعداد انگشتان یک دست و در برخی نیز چند ده مورد را شامل می‌شود که در این مرحله بیش از ۱۶۰ کد محوری اولیه و پس از پایش آن کدهای کمتری مشخص شد.

مصاحبه‌شوندگان هم به جنبه‌های کالبدی و هم به جنبه‌های فراکالبدی اشاره داشته‌اند. در پایش این مرحله و به منظور تعمیق این مفاهیم، کدهای محوری از میان بررسی و جمع‌بندی کدهای باز انتخاب شد. در مرحله نهایی، به نظر می‌رسد که برخی از کدهای محوری وجوه و برخی دیگر نیز حدود را مشخص می‌کند. بنابراین تلاش شده تا قدری جنبه‌های اصلی در لایه‌های انتخابی مشخص و مورد بررسی و تأکید بیشتری قرار گیرد. در نهایت، ۱۴ کد انتخابی، حاصل تحلیل و بررسی مطالعه‌ی میدانی بوده است که در (تصاویر شماره ۶) فرایند احصاء مؤلفه‌ها و در (تصویر شماره ۷) مؤلفه‌ها مشخص شده است.



تصویر شماره ۶- فرایند دستیابی به مؤلفه‌ها از طریق کدها



تصویر شماره ۷- معرفی مؤلفه‌های حیات‌مندی در حیاط‌خانه‌ها

معماری، حیاط خانه معرفی کند.

از این گذشته، در برخی از الگوی خانه‌ها، وجود فضاهایی که برحسب شرایط اقلیمی، ترکیب فضای باز و نیمه‌باز را به کار گرفته تا کانون‌هایی نیرومند را برای آسایش و آرامش مهیا سازند، وجود این کانون‌ها را منطقی نیز جلوه می‌دهند. فضای حوض خانه با استقرار کلاه‌فرنگی در بالای آن و در ترکیب با عناصری فضایی با کارکردی جمعی، این کانون‌های نیروزا را تقویت می‌کنند.

در همین رابطه، معماری بام در ترکیب با حیاط، گفتنی‌های زیادی دارد. از این رو، معماری‌باشی از آن‌ها چشم‌پوشی نکرده و ضرورت ایجاد فضایی مانند مهتابی را نیز به عنوان کانونی نیرومند در رصد آسمان و در پیوستگی با حیات روحی ساکنان طراحی کرده است. در مجموع، می‌توان چنین برداشت کرد که رفتارها و عملکرد فضایی، مفهوم و نشانه، توجه به اقلیم و یا منطبق سازه که مؤلفه‌ی بسیار مهمی نیز محسوب می‌شود، موجب شکل‌گیری مرکز یا مراکز نیرومندی در خانه‌ها می‌شود. به نظر می‌رسد در مجموع تقویت کانون‌های نیروزا، حس برانگیزش را تقویت کرده و ظرفیت حیات‌مندی را در کالبد معماری خانه فراهم می‌کند.

### اشکال ساده و خوب

ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین اشکال عموماً ساده و اصیل‌اند. از همین رو، اولین چیزی که می‌توان دریافت این است که در بیشتر حالت‌ها، اشکال ساده و خوب، پیچیده و یا بی‌قاعده نیستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد این اشکال، صورت‌های ابتدایی و اصیل دارند. لذا همین ویژگی نیز موجب جذابیت و فهم و خوانایی آن‌ها می‌شود. در معماری خانه‌ها، آنچه که در کالبد حیاط عمدتاً جلب توجه می‌کند، همین اشکال ساده نظیر مربع، مستطیل، چندضلعی، قوس و یا زایشی از همین اشکال است؛ اشکالی که هم در جزییات و هم در کلیت کالبد معماری، نقشی تعیین‌کننده دارند.

طاقچه‌ها، حوض آب، باغچه، درها، رخبام‌ها، شکل پوشش طاق‌ها و مصالح آجری، همه عموماً جزییات‌هایی هستند که از اشکال ساده به دست می‌آیند. انتخاب شکل مربع یا مستطیلی حیاط توسط معمارباشی، شکل گودال باغچه، شکل فضاهای نیمه باز مانند تالار و ایوان، شکل و یا هندسه‌ی مربع یا مستطیلی نماهای حیاط و دیگر موارد نیز نشان از به‌کارگیری اشکال ساده در کلیت خانه‌ها در هنگام طراحی و ساخت دارد.

### مکان

همانگی و تشابه در کلیت ساخته‌های معماری یک سرزمین در دوره‌های مختلف، حاصل کشف استعداد آن سرزمین و بهره‌مندی از جنبه‌ی مکان است. از همین رو، در طول قرن‌ها معماران تلاش می‌کردند تا امکان حصول و بروز این استعداد را از مکان به‌عنوان زمینه‌ای که داده‌های سرزمینی نیز در آن نقش پُررنگی دارد، در جهت تحقق کیفیت حیات‌مندی خانه‌ها استفاده کنند. گرایش به زمین و یا کشش به زمین با ایجاد الگوهای ساخت نظیر گودال باغچه یا حیاط مرکزی، نمونه‌ای از گرایش به مکان محسوب می‌شود.

سازگاری با بستر که حاصل فراهم شدن شرایط اقلیمی است، معماری حیاط خانه را نیز متأثر می‌کند، ضمن آنکه بهره‌گیری از مصالح بومی و محلی نیز در این تأثیربخشی دیده می‌شود. جهت و موقعیت قرارگیری حیاط و فضاهای پیرامون آن نیز در ارتباط مستقیم با شرایط مکانی رخ می‌دهد تا بهترین کارایی را در آسایش و آرامش ناشی از فضای حیاط خانه فراهم کند.

### کهن‌الگوها

یکی از مؤلفه‌هایی که موجب ماندگاری و حیات روحی افراد می‌شود، داشتن حس خاطره نسبت به مکان زندگی است. حیاط خانه‌های سنتی، کانون ایجاد حس نوستالژی است، چراکه بسیاری از رویدادها و فعالیت‌ها به این فضا مرتبط می‌شود و به شکل‌گیری رفتارهایی می‌انجامد که با گذشت زمان، به مثابه خاطره در ذهن افراد نقش می‌بندد؛ زمان به معنای عام آن که مرتبط با شب، روز، سحر، غروب، طلوع، رویش و زایش می‌شود، حیاط خانه را نیز از خود متأثر می‌کند. اعتبار زمان در خانه‌ها با گزاره‌هایی که ذکر شد معنادار می‌شود و بالا می‌رود، چراکه با وجود آنها می‌توانیم بخشی از دوره زندگی را معنادار ببینیم و علاوه بر آن، طول موجی از جریان زندگی و رفتارها را ایجاد می‌کند که خاطره‌ساز می‌شوند. این جنبه‌ای از زمان است که با مکان آمیخته و مرتبط می‌شود. از سوی دیگر، تداوم ذهنی‌ای را ایجاد می‌کند که با دیدن و فهم آن، ارزش‌های فضایی نیز ماندگار و قابل شناسایی می‌شود.

### انسجام

انسجام همان وحدت و یکدستی در معماری حیاط خانه‌هاست. این هماهنگی هم در اجزا و هم در کلیت دارای اهمیت است. در واقع، این انسجام و جدایی‌ناپذیری، تفکیک‌ناپذیر بودن حیاط را در مقایسه با محیط پیرامون مد نظر قرار می‌دهد. از همین رو، این چنین منزوی و کنده شدن اجزا را در حیاط خانه‌ها نمی‌بینیم، زیرا اجزای حیاط (نماها، فضاها، جزییات و...) هر کدام بر سر جای خود قرار گرفته‌اند و معمارباشی در مقایسه با مجموعه به این واقعیت توجه داشته که هر جزیی می‌تواند سازمان و نظم خود را در رابطه با کلیت خانه پیدا کند.

این انسجام و یکپارچگی، امکان جداسازی و چندپاره‌گی را از حیاط خانه می‌گیرد. در کلیت، رابطه پُر و خالی‌ها، این جدایی‌ناپذیری را شدت می‌بخشد و در جزییات، این رابطه به گونه‌ای سازمان می‌یابد که معمولاً هیچ‌گاه نمی‌توان تشخیص داد که کجا چیزی تمام و دیگری شروع می‌شود، زیرا به طرز نامحسوسی به محیط اطرافش تعلق دارد. به این ترتیب، بخش عمده آرامش فضای حیاط وابسته به نقش انسجام در کلیت و اجزای حیاط خانه‌هاست.

### سادگی

سادگی زمانی خود را نشان می‌دهد که هر چیز غیرضروری از حیاط خانه حذف شود؛ ویژگی‌ای که ساکنان در خانه‌ها به خوبی آن را درک می‌کنند، چرا که از درهم ریختگی بصری و ذهنی به دور است. در واقع، هر عاملی که در معماری خانه بتواند با انسان

گفت‌وگویی صمیمانه و دور از خودنمایی و تکبر را نشان دهد، به سوی سادگی پیش رفته است. در ایجاد این سادگی، مجموعه‌ای از عوامل کنار هم قرار می‌گیرند؛ از به‌کارگیری اشکال و فرم‌های ساده تا دوری از تزیینات پراکنده و یا بهره‌گیری از تناسبات انسانی، این‌ها همه در تلاش‌اند تا پیچیدگی ظاهری را کاهش دهند و حیاط خانه را خوانا و ساده نشان دهند. در مجموع، آنچه موجب ایجاد آرامش درونی می‌شود، می‌تواند عاملی در تقویت سادگی باشد.

### حریم

مفهومی که بار معنایی عمیقی دارد و در اطوار مختلف معماری، یکی از مؤلفه‌های شاخص و ارزشمند محسوب می‌شود. این مؤلفه هم تفکیک‌کننده و هم پیونددهنده است. از این رو، حریم کار خود را در احاطه کردن و جداسازی، درعین پیوند زدن به خوبی انجام می‌دهد. ایجاد مفاهیم متعددی که ریشه در حریم دارد، به اعتباربخشی آن افزوده است. مرز بین اجزا، در شاکله‌ی کلی حیاط خانه‌ها، سهم حضور اجزای مختلف، حدود بهره‌گیری از پدیده‌ها، ایجاد عرصه‌های مختلف و دیگر موارد در لایه‌های کالبدی و رفتاری منجر به ایجاد این مفهوم می‌شود.

### فضای متعین

حیاط خانه فضایی است که شخصیت و جنبه‌ی خاص خود را دارد. لذا حیاط خانه‌ها هرچقدر دارای شکل و قاعده مشخص و ویژه خود باشد، یعنی تا حدی ساده، دور از هرگونه زائده و یا چیزی غیرضروری که موجب از میان رفتن اعتبار و شخصیتش شود می‌تواند فضایی متعین را شکل دهد. اینکه حیاط به‌خودی‌خود شکل فیزیکی و معین خود را دارد، به طوری که در رابطه با محیط پیرامونش، بی‌معنا و منفعل و منزوی نیست، به اعتبار و وجه آن اهمیت می‌بخشد. چنین تعینی، علاوه بر تشخیصی که در خود دارد، هیچ فضای پس‌مانده‌ای را باقی نمی‌گذارد. در واقع، توصیف شفاف و آسان فضای متعین، خلوص شکلی و معناداری است که موجب خوانایی و وضوح فضای حیاط می‌شود. به نظر آنچه تعین بخشی به حیاط را شدت می‌بخشد، حفظ تعادل فضایی و تقارنی است که در ماهیت حیاط خانه‌ها نهفته است. از همین رو، انتخاب آن به عنوان یکی از مؤلفه‌ها، ضرورت توجه به خلوص و خوانایی را تقویت می‌کند.

### تکرار متناوب

یکی از مؤلفه‌های معتبر در معماری حیاط خانه‌ها، ریتم و آهنگ ناشی از تکرار است. به عبارتی، نظمی که در کالبد معماری حیاط‌ها وجود دارد، مدیون تکرار اجزای آن است؛ تکراری که خوشایند و دلنشین و نه خسته‌کننده است، به‌گونه‌ای که در این صورت، تفاوت و تشخیص، فضایی یک شکل را می‌یابد. چنین تفاوتی موجب ایجاد آهنگ و ریتم منظم در کالبد می‌شود که خود حاصل همان تکرار خوشایند است، یعنی در حالتی که همه‌ی عناصر و اجزا اگرچه در کالبد حیاط برابر و همسان نیستند، اما در دستگاه موسیقایی هماهنگی قرار دارند.

این تفاوت در تکرار اجزا نشان می‌دهد که هر یک از اجزا

مطابق محل قرارگیری‌اش در هماهنگی با کلیت حیاط، نوسانی زیبا و لطیف از تکرار را می‌آفریند. به این ترتیب، حیات‌مندی حیاط زمانی محقق می‌شود که کلیت حیاط، اعم از نماها و یا اجزای شکل‌دهنده‌ی سطح، به هم پیوسته باشند و شخصیت خاص خود را داشته و بدین گونه از یکدیگر با تکراری متفاوت متمایز شده باشند.

### فضای خالی

این مؤلفه که ارتباط تنگاتنگی با حیاط در معماری خانه‌ها دارد، به عنوان قلب و روح تپنده‌ی خانه محسوب می‌شود؛ فضایی که در مواقعی به آن اطلاع‌نساخته می‌شود - حیاط - در واقع فضایی است که معمار باشی به زیباترین حالت آن را ساخته است و چه بسا ساخته‌های پیرامونی آن نیز مدیون حضور این فضای تهی باشد. به نظر ضرورت فضای خالی در هر خانه‌ای به خوبی دیده می‌شود، البته با الگوهای متنوع و منحصر به فرد و خاص شخصیت هر خانه که معمار باشی‌ها آن را در نظر می‌گیرند. این مؤلفه را صرفاً منحصر به حیاط نباید دانست، بلکه فضاهای نیمه‌باز نیز که به وفور در معماری خانه‌ها مورد توجه‌اند، این ویژگی را جزء ذاتی خانه‌های دوره‌ی قاجار قرار می‌دهند. ایجاد آرامش، فراهم ساختن کیفیت‌های بصری و ادراکی و ایجاد محیطی فرح‌بخش و پویا و دیگر ویژگی‌هایی که تاکنون در ارتباط با آن بیان شد، همه به نحوی با این مؤلفه مرتبط می‌شود.

### تضاد

تضاد همان مؤلفه‌ای است که تفاوت را به وجود می‌آورد و به پدیده‌ها تمایز می‌بخشد. مؤلفه‌ای که به شکل تمایز شدید و یا عاملی در ایجاد گسست و جدایی به شمار نمی‌آید، بلکه موجب پیوستگی و یکپارچگی و نیز ارتباط بین اجزای حیاط با کلیت خانه می‌شود. در بیشتر مواقع، دو پدیده هنگامی که با هم متفاوت‌اند واجد شاخصه‌ای شده‌اند که راحت‌تر و بهتر از هم تشخیص داده می‌شوند. این تضاد در معماری حیاط به‌گونه‌ای طبیعی، وجود خود را با سایه‌روشن‌ها و آفتاب‌سایه‌ها نشان می‌دهد. تفاوت در جنسیت مصالح پُر و خالی سطح و سطوح که در حیاط و گودال باغچه و نماها ایجاد می‌شود، کنتراست رنگ‌ها که انواع درختان و پوشش گیاهی در باغچه‌ها می‌تواند ایجادکننده‌ی آن باشد و یا حتی شیشه‌های رنگی که درها را تزیین می‌بخشد، مصادیقی از تضاد در معماری خانه‌هاست. این ویژگی در حالی است که علاوه بر یگانگی‌ای که به اجزا می‌دهد و معرفی که برای آن پدیده به همراه می‌آورد، موجب وحدت و همبستگی در کلیت نیز می‌شود.

### زمین، آسمان

زمین - آسمان مؤلفه‌ای که حیات ساکنان خانه وابسته به آن است و معماری خانه با وجود آن معنادار می‌شود. خانه بر روی زمین و زیر آسمان بنا می‌شود و آنچه نیاز جسمی و روحی ساکنان خانه در داشتن حیات و بودن است، در آن تحقق می‌یابد. حیاط خانه، یک رو به زمین و روی دیگر به آسمان می‌کند و اجزا، گاه بر روی زمین، فضای حیاط را ایجاد و معنادار می‌کند و گاه با گودال شدن و داخل زمین رفتن، جذب در زمین می‌شود و در آغوش آن قرار

می‌گیرد. سلسله عواملی دست‌اندرکارند تا زمین را برای زمینیان مهد آرامش و سکون سازند. از سوی دیگر، کشش به سوی آسمان و جاذبه‌ی آن، معماری خانه و حیاط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، ضمن آنکه پیوند این دو با یکدیگر را نیز نباید فراموش کرد. زمین بدون آسمان و آسمان بدون زمین، برای انسان وابسته به حیاط بی‌معناست. پیوند با طبیعت (تابش آفتاب، نزول باران، رشد گیاهان)، درک شب و روز و در مجموع، درک زمان، وابسته به آسمان و زمین می‌شود. نزول رحمت و برکت را ساکنان از آسمان طلب می‌کنند و از این رو، حیاط کانون این ارتباط میان زمین و آسمان می‌شود.

### سلسله مراتب مقیاس

این مؤلفه بیانگر وجود طیفی از مقیاس‌های مختلف اما هماهنگ و منظم است که در حیاط خانه‌ها، معمارانه به کار گرفته شده است. از این رو، هم در جزئیات و هم در کلیت حیاط، اثر و نشان آن را می‌توان مشاهده کرد. این مؤلفه را می‌توان از اصول جدایی‌ناپذیر کالبد حیاط خانه‌ها قلمداد کرد، چراکه بدون مقیاس و تناسب و رعایت نسبت‌ها، اصولاً حیاط زنده و پویا نمی‌شود. از همین رو، وجود اندازه‌های بزرگ، متوسط و کوچک بر روی نماها یا کوتاهی و بلندی سطوح و یا تغییر در ارتفاع، به طوری که در رابطه با یکدیگر و به آرامی جزء و یا کلی را شکل دهد، این مؤلفه را دارای اعتبار می‌کند.

### جمع بندی

بررسی انجام شده نشان می‌دهد در طرح مایه حیاط خانه‌های دوره سنت مؤلفه‌های کیفی وجود دارد. این در حالی است که هر یک از مؤلفه‌ها سهمی از حضور را به خود اختصاص می‌دهند. هر چند که نقش هر یک از مؤلفه‌ها پررنگ و یا کم رنگ می‌باشد منتها حضور این پارامترها در معماری حیاط خانه‌ها قدری احساس برانگیزش را در انسان تقویت می‌سازد و کیفیتی از جنس زنده بودن، سرزندگی و در مجموع زندگی را در فضای خانه به همراه می‌آورد. اما آنچه مسلم است برخی پارامترها در تقرب به حیات‌مندی و احساس بودن در فضا مرتبه‌ای بالاتر و نقش پررنگ‌تر و برخی دیگر در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار دارند.

به نظر می‌رسد کیفیت حیات‌مندی، مقوله‌ای ذهنی، خیالی و برآمده از تصور نیست، بلکه تفکر، احساس و خیال در این فرایند به کمک هم می‌آیند. به عبارتی از یک سو در رفتارها تجلی می‌یابد، یعنی همان رفتارهایی که احساس زنده بودن انسان در فضای زیستی را معنادار کرده و نشان می‌دهد، درحالی که صرفاً در رفتار و حرکات نیز خلاصه نمی‌شود. از سوی دیگر، نشانه و مفاهیم آن را معنادار می‌کند، اما نه هر نشانه و مفهومی که ناشی از خواسته‌های نفسانی باشد، بلکه نیروی فکری برآمده از حق طلبی که زمینه‌ی تحقق آن را فراهم می‌کند. از طرفی، کالبد می‌تواند ابزار نمود آن باشد، اما نه هر کالبدی که سیم و زر، ابزار تفاخرش باشد و چهره‌ی آرایشی و بزک شده‌ی مد زمانه را معرفی کند، بلکه کالبدی که آرامش و آسایش را به ارمغان آورد. از این رو، این جنبه‌ها هم‌سو با

یکدیگر، کیفیت حیات‌مندی را محقق و کامل می‌کنند، چراکه هر یک به تنهایی توانایی برداشتن این وزنه را ندارند و نمی‌توانند این مفهوم را در معماری تحقق بخشند.

بررسی و تحلیل‌های انجام گرفته از روش کیفی (داده‌بنیاد)، که در فرایندی از مراحل مشاهده، توصیف، مقایسه و تطبیق، مصاحبه، کدگذاری به سرانجام رسید، مشخص می‌کند؛ کالبد خانه‌ها عرصه‌ی خلاقیت بیشتر معمار می‌شود و کیفیت‌هایی نیز به منصفه ظهور می‌رسد.

مطالعات میدانی و مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، ایجاد کیفیت حیات در کالبد حیاط خانه‌ها منحصر به الگوهایی مشخص نیست. هر فضایی و هر حیاطی در هر الگویی، کیفیت منحصر به خود را می‌یابد. ضمن آنکه تا زمانی که منظومه‌ی ویژگی‌های تبیین شده مورد توجه نباشد، نمی‌توان انتظار داشت این صفات در معماری‌ها و از جمله حیاط‌ها شکل گیرد.

بنابراین با توجه به مطالعات صورت گرفته مؤلفه‌هایی که در معماری بکار گرفته می‌شوند دارای دو بُعد می‌باشند. **بُعد اول** تعدد و تنوع حضور مؤلفه‌ها بوده و **بُعد دوم** مرتبه حضور مؤلفه‌ها می‌باشد. آنچه از مصاحبه‌ها حاصل گردید، نشان می‌دهد مصاحبه‌شوندگان به مراتبی از نقش مؤلفه‌ها نیز اشاره داشته‌اند که نقش هر مؤلفه در هر مرتبه وجهی از ظرفیت و محتوا را پیش روی ما قرار می‌دهد. آنچه مسلم است بخشی از خصلت‌های بدست آمده نظیر (مراکز نیرومند، مراتب مقیاس، تضاد، فضای خالی، تکرار متناوب، فضای متعین و سادگی) واجد اعتبار و تأکیدی بر خصلت‌های بنیادین پدیده‌های زنده می‌باشد. برخی دیگر از مؤلفه‌ها نظیر (مکان، کهن‌الگوها، حریم، تغییر، زمین و آسمان و...) در معماری سرزمینی عمق و اعتبار بیشتری داشته است که به نظر می‌رسد هر چقدر زمینه‌هایی چون؛ امکانات، ظرفیت‌های معماری و استعداد سرزمین فراهم باشد، این مؤلفه‌ها بیشتر حضور پیدا می‌کنند و در جاهایی که فرصت یا مجال کمتری بوده به نسبت نیز حضور مؤلفه‌ها کم رنگ می‌شود. بنابراین می‌توان چنین پنداشت که حیاط خانه‌های دوره‌ی سنت تا حد زیادی پارامترهای بنیادین حیات‌مندی در آن‌ها حضور داشته و این ساخته‌ها قادر می‌باشند کیفیت حیات را متناسب با نیازهای جسمی، روحی و معنوی انسان ارتقاء بخشند.

### پی‌نوشت

۱. تصدیق وجه تربیتی معماری و تأثیر آن بر انسانها، در یک گستره‌ی فکری وسیع و عام، در جمله حکیمانه چرچیل که بعد از جنگ جهانی دوم به معماران می‌گفت: امروز شما خانه‌های مردم را می‌سازید و خانه‌های شما نسل بعدی را می‌سازند (صنعتی، ۱۳۸۵: ۲).

۲. کدگذاری باز (Open Coding): فرایندی تحلیلی است که با آن مفهوم‌شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند.

۳. کدگذاری محوری (Axial Coding): فرایند تبدیل مفاهیم به مقوله‌ها است. این کدگذاری به این دلیل محوری قلمداد

- زیبا، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۹۹-۱۰۹.
۱۵. سیروس صبری، رضا و اکبری، علی (۱۳۹۲) مفهوم نظم کریستفراکسندر و علم جدید، فصلنامه علمی پژوهشی صفا، شماره ۶۱، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۴۱-۳۱.
۱۶. شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۱) مفهوم سکونت (به سوی معماری تمثیلی)، ترجمه محمود امیر یار احمدی، چاپ چهارم، تهران، آگه.
۱۷. صافیان، محمد جواد و همکاران (۱۳۹۰) بررسی پدیدارشناسی هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری، نشریه پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، سال چهارم، شماره ۸، صص ۹۳-۱۲۹.
۱۸. صنعتی، سیده (۱۳۸۵) تأملی بر مقام حقیقی حیاط در معماری، پایان‌نامه ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، ایران.
۱۹. قاسمی سیچانی، مریم و غلامحسین معاریان (۱۳۸۹) گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان، نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صص ۹۴-۸۷.
۲۰. کیانی، مصطفی (۱۳۸۳) معماری دوره پهلوی اول، دگرگونی‌ها اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۱. کاتب، فاطمه (۱۳۸۴) معماری خانه‌های ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۲۲. گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۸۸) روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
۲۳. معاریان، غلامحسین (۱۳۸۵) آشنایی با معماری مسکونی ایران (گونه‌شناسی درونگرا)، تهران، سروش دانش.
۲۴. مهاجری، ناهید و شیوا قمی (۱۳۸۷) رویکردی تحلیلی بر نظریه‌های کریستوفر الکساندر، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۲، صص ۴۵-۵۶.
۲۵. نوایی، کامبیز و کامبیز حاجی قاسمی (۱۳۹۰) خشت و خیال، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۶. نایی، فرشته (۱۳۸۱) حیات در حیاط: حیاط در خانه‌های سنتی ایران، تهران، نزهت.
۲۷. نصر، طاهره (۱۳۹۳) واکاوی معنای هویت در سنجش پارادایم (تحلیل جایگاه هویت بخشی در بافت شهر)، فصلنامه هویت شهر، سال هجدهم، شماره هشتم، صص ۱۳-۲۶.
۲۸. نیکولائید، کیمون (۱۳۶۲) تکنیک و روش طراحی، مترجم: ع. شروه، تهران، بهار.
۲۹. هیدگر، مارتین (۱۳۷۹) سرآغاز کار هنری، ترجمه پرویز ضیاء شهابی، هرمس.
۳۰. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۷) انسان و سمبولهایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران، جامی.

31. Eliade, Mircea (1991) *The Myth of the Eternal Return*, tr., W. R. Trask (Princeton, NJ: Princeton University Press
32. Le Corbusier (1986) *Towards a new architecture*, New York: Dover Publication.

می‌شود که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. در این مرحله، نظریه پرداز داده بنیاد، یک مفهوم مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در فرایندی که در حال بررسی آن است قرار می‌دهد و سپس دیگر مفاهیم را به آن ربط می‌دهد.

۴. کدگذاری انتخابی (Selective Coding): فرایند یکپارچه سازی و بهبود مقوله‌هاست تا نظریه شکل بگیرد. در این مرحله، نظریه پرداز داده بنیاد، یک نظریه از روابط مابین مقوله‌های موجود در کدگذاری محوری را به نگارش در می‌آورد.

## منابع

۱. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهدنی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۴) سرشت نظم، ترجمه سیروس صبری، تهران، جلد اول، ویراست دوم، پرهام.
۳. اخوت، حانیه سادات (۱۳۹۲) بازشناسی هویت دینی در مسکن سنتی (نمونه موردی: شهر یزد)، رساله دکتری معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
۴. اسلام‌پور شیما، میرلوحی، سعید و سوزان حبیب (۱۴۰۰) در جست و جوی معنای خانه؛ تبیین مؤلفه‌های کالبدی تجلی بخش معنا با استفاده از مفاهیم نظری پدیدارشناسی، نشریه علمی باغ نظر، ۱۸ (۱۰۵)، صص ۷۹-۹۲.
۵. استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۵) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ پنجم، تهران، نشرنی.
۶. بهشتی، سید محمد (۱۳۸۷) خانه چیست، مجموعه گفتارها درباره خانه، همایش مرکز رویدادهای معماری ایران، صص ۱-۵.
۷. بهشتی، سید محمد (۱۳۷۰) معماری چیست، انجمن مفاخر معماری ایران، صص ۱-۹ (<http://ammi.ir>)
۸. پوپ، آرتور و اکرم، فیلیپس (۱۳۸۷) سیری در هنر ایران، ویرایش: سیروس پرهام، جلد سوم (متن)، جلد سوم، تهران.
۹. پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۸۸) شازده حمام، جلد اول و دوم، مشهد، پاپلی.
۱۰. حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۳) گنجنامه، دفتر چهارم خانه های یزد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. حنیف، احسان (۱۳۹۷) مفهوم سکونت و تأثیر آن بر حیاط خانه‌های ایرانی، فصلنامه اندیشه معماری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، سال دوم، شماره چهارم، صص ۳۱-۴۴.
۱۲. رپوپورت، ایماس (۱۳۸۲) خاستگاه‌های فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول و افرا بانک، فصلنامه خیال، شماره ۸، فرهنگستان هنر، صص ۹۷-۵۶.
۱۳. سالینگروس، نیکوس (۱۳۹۳) ضد معماری و واسازی، ترجمه زهیر متکی و همکاران، تهران، سروش دانش.
۱۴. سلیمانی، مریم و مندگاری، کاظم (۱۳۹۴) بازشناسی اصول خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای اساسی روانشناختی؛ براساس تئوری برخاسته از زمینه، نشریه هنرهای

